

نقش بیرونی ها و مسؤولیت دو نامزد محترم در انتخابات!

با استقرار یافتن قوای نظامی غربی در افغانستان؛ برای اولین بار در تاریخ سیاسی ما؛ سیاسیون کشور ظاهراً بر خلاف عقاید؛ باورها و عملکرد های نا صواب و پاسخ نداده (سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶)؛ خود را متمدن و باورمند به دیموکراسی و پابند به قانون وانمود ساخته، در همکاری مستقیم زیر دست و نظارت امریکا و متحدین شان حکومت تحمیلی خویش را بوسیله بی ۵۲ در خدمت مردم، بنام دیموکراسی جازده و برای حفظ یا تعویض قدرت بین خودی ها، پروسه ای بنام انتخابات را شامل بازی و پیکار های انتخاباتی را دایم العمر متعلق بخود دانسته به همین اساس نتایج آن باید مطابق میل شان باشد.

اما تعیین سر نوشت ملت و انتخابات مسئله ملی و افغانستان شمول می باشد. بناءً همه اتباع آگاه؛ خود را مسؤول می دانند. تحلیل گران سیاسی ناگزیراند؛ اوضاع نا به سامان مملکت، تأثیرات سیاست های متضاد منطقه و جهانی را در کشور و نتایج انتخابات را در معادلات گره خورده به هم ارزیابی نمایند. هر یک به پیمانۀ فهم؛ برداشت و شناخت از خصوصیات جامعه شناسی، سطح آگاهی، شعور سیاسی مردم، وابستگی ها، علایق خود و نقش کشور های خارجی دور و نزدیک، با رعایت منافع و موانع رقبای خارجی، تمویل کننده ای انتخابات با اهداف شان، و وابستگی چهره های بازیگر کشور را در محاسبات خویش دخیل نموده؛ بر داشت های خویش را به هموطنان ارایه میدارند.

جمعی کثیری از قلم به دستان آزاد ملی گرای وطن دوست مستقل یا وابسته به احزاب، سازمان ها، نهاد ها و . . . سیاست پیشه، در مورد انتخابات و نبود بدیل معقول تر نسبت به انتخابات و نتایج پیامد هایش ابراز نظر نموده اند. این قلم نیز در کنار سایر مبارزین ملی گرای مستقل نکاتی را حضور سروران خردمندۀ با بصیرت، پیشکش نموده بودم. گذشت زمان بخوبی یکبار دیگر نشان داد که: اگر حقایق جامعه را به دور از حُب و بُغض و تمایلات شخصی، حزبی، گروهی، تنظیمی، ایدئولوژیک، سمتی، قومی، زبانی و . . . صادقانه و بی طرفانه تجزیه و تحلیل نماییم؛ نتایج حاصله آن می تواند یک تصویر نزدیک به حقیقت نسبی را بیان نماید. با وجودیکه من و اکثریت قلم به دستان دانشمند ما از بازی های عقب پرده و مهندسی شبکه های استخباراتی منطقه و جهان چیزی نمی دانیم و تمام اظهار نظرها را مبتنی بر اخبار واصله از نشرات غیر مستقل و تحلیلگران اکثرأً مزد بگیر وابسته؛ از طریق امواج نشرات صوتی، تصویری و مردمی به دست می آوریم.

آنچه این قلم در کنار سایر وطن دوستان واقعبین؛ در مورد شروط و ظروف انتخابات و سایر مؤالفه های آن که تناقض با حضور قوای نظامی بیگانه و تمویل آن از جانب خارجی آنها در حالت جنگ و اولتیماتوم امضاء پیمان امنیتی ارایه داده بودم؛ سر جا و با قوتش باقیست! ولی در یک مورد خلاف انتظار و بر داشتم (حضور بیش از ۶ میلیون هموطن به خصوص اشتراک خانم ها با مشارکت ۳۶ فیصد در بخشی از مناطق امن کشور؛ مایه خوشی بیشتر گردیده و بیداری مردم ما را نوید میدهد). متباقی آنچه نتایج دور اول انتخابات اعلان گردید؛ با وجود بلند پروازی و امتیاز طلبی های گمراه کننده و غیر مجاز ۸ نامزد محترم و آقای کرزی، بازی همان پیش بینی و برداشت ما را که حفظ قدرت، سازش، معامله، تداوم شرکت سهامی، حفظ افراد بد نام، متخلف، قانون شکن، زور گو، متعصب، افراطی، تمامیت خواه، انحصارگر، دبل جاسوس، ناقض حقوق بشر و . . . متهم و صاحب دوسیه ها در محاکم کشور می باشند؛ در هر دو تیم حضور پررنگ دارند. با اندک تفاوت که وابستگان تیم آقای عبدالله بر علاوه ثقل و تخطی از مانور، تهدید و بر چسب زدن های غیر سیاسی نیز استفاده نمودند.

حال مطابق قانون؟! پامال شده که از جانب دولت سهامی در طول ۱۳ سال گذشته رعایت نگردیده است؛ انتخابات با مصارف ۱۸ میلیون دالر در کشور فقیر و موجودیت میلیون ها جوان بیکار به دور دوم برگزار خواهد شد تا جناب کرزی صاحب از چوکی خویش به عقب آن مجبوراً جلوس خواهند فرمود. متباقی همان آتش بریده شده با کاسه ای داغتر از قبل؛ توسط یک خدمت گزار؟! دیگر (جناب عبدالله یا احمدزی) به ملت غیر حاضر با عین ترکیب و ترتیب ارزه میگردد.

وظندانان صبور و امید وار به صلح!

باری آقای دکتر اشرف غنی احمدزی در یکی از صحبت های خویش فرمودند که: دیگر اکثریت خاموش در کشور وجود و مفهوم ندارد! با جرأت می توان خدمت شان عرض نمایم که هر نا کجا آبادی که شما صندوق رای دهی گذاشته نتوانستید، دولت فاسد و دوستان خارجی تان تأمین امنیت کرده نتوانستند یا نخواستند، بدانید که ساکنین مظلوم و مسلمان آن محلات، اسیر زورگویان و در تیررس دشمنان خارجی قرار دارند. در غیر آن زن و مرد، دختر و پسر آن

محلات مثل سایر نقاط امن کشور آرزوی اشتراک در انتخابات و ادعای به اصطلاح حق تعیین سرنوشت؟! خود را دارند. اینکه حساب صندوق ها و شمارش آرا چگونه می باشد، بنابر نبود بدیل مناسب تر تبصره نمیکنم. از جانبی اگر همه این مردمان تحت ستم به اصطلاح قبیله گرا!! باشند؛ نباید جناب داکتر عبدالله عبدالله رای قابل توجه از این مناطق می داشت، در ثانی تعلق تباری معاونین شان چنین بر چسپ را باطل می سازد؛ اگر چه جناب شان در طول حیات سیاسی خود صرف در خدمت یک بخش کوچک و معین کشور قرار داشتند.

جوان های شایسته ملت واحد افغانستان در میادین سپورت از روح الله نیکپا، بهاوی، احمدسیر بهادری و . . . تا تیم های کرکت، فوتبال همه مدال آوران را؛ مردم شاهد بودند که: ملت چگونه استقبال و جشن ملی بر پا نمودند. مردم نجیب افغانستان خلاف ادعای سیاست زده ها جوش عمیق و مشترکات محکم خود را دارند. آخرین نماد همبستگی ملی را در سانحه لخرش زمین در ولسوالی ارگویی ولایت بدخشان به شکل خود جوش مردم از خود تبارز دادند.

این همه نشان دهنده یک پارچگی ملت واحد با تاریخ و فرهنگ مشترک را باز گو می نماید. آن سیاسیونی که این همه مشترکات را نادیده پن داشته و در غم خانه بدوشان و مناطق جنگ زده نبودند؛ و از گرفتن کارت های رایدهی عمداً توسط مخالفین مسلح محروم ساخته شدند، آگاه باشید که ابدأ این آتش جنگ تحمیلی بیگانه در همان مناطق محدود و محصور خواهد ماند. مردم از نبود امنیت، تطبیق قانون، نبود عدالت، سرپنا، کار، نان و . . . شدیداً متضرر و نا امید اند، جنگ، حملات قوای خارجی چه غربی چه همسایه ها، فساد اداری، زورگویی های غاصبین، قانون شکنان عالی رتبه و . . . مردم به ستوه آمده اند. عوام الناس و روشن بینان جامعه؛ منصوب بودن رئیس جمهور را به کدام قوم خاص حلال مشکلات نمی دانند. همان گلی را که مرحوم استاد ربانی به تاجک ها آب داده بود آقای کرزی به پشتون ها صد بار بد تر به آب داد. هر دو با قشر کوچک امتیاز بگیر منصوب به خود بالاترین مصائب را به ملت فقیر بخصوص مردم قندهار، هلمند و . . . در ۱۳ سال گذشته تحمیل نموده است.

کاندیدای محترم؛ مردم انتظار برنامه های علماً تنظیم شده اقتصادی، امنیتی؛ مبتنی بر حد اقل منافع ملی ما، روابط نیک و متقابل با کشورهای همسایه و جهان را صادقانه می خواهند. نه رئیس جمهور منصوب به یک قوم خاص! بناءً تبلیغات غیر مجاز انتخابات؛ اگر دور دوم دایر گردد؛ جداً خلاف مصالح علیای کشور بوده به همه مبلغین احساساتی و استفاده جوی مزد بگیر و آنانیکه خود را به تبلیغات به اصطلاح ثوابی مکلف می دانند؛ اکیداً توصیه نموده تا کشور را به بی ثباتی و نفاق بیشتر سوق ندهند. امتیازی به تیکه داران قومی به بار نمی آورد زیرا همه میدانیم آنچه را دوستان بین المللی تان مصلحت ببینند؛ همان میشود و دور از انصاف و منطق خواهد بود که نتایج خلاف خواست پول بده باشد.

انسان نمی تواند در حوزه ای از زندگی خود با دوستی و صداقت عمل کند؛ در حالیکه در سایر حوزه های زندگیش آلوده نادرستی ها باشد.

پایان

